



الزامات نهاد کشف جرم در رعایت اصل مشروعیت تحصیل دلیل ناظر بر اقرار

*ساسان رضایی فرد **اکبر وروایی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۵/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۰/۱۶

چکیده

پلیس به عنوان نهاد کشف جرم همواره در فرآیند دادرسی کیفری و تحصیل ادله اثباتی نقش مهمی داشته و بر تحصیل ادله توسط این نهاد در پرتو اصل مشروعیت تحصیل دلیل تاکید گشته است. هدف از پژوهش حاضر بررسی الزامات حاکم بر نهاد کشف جرم در رعایت اصل مشروعیت تحصیل دلیل در خصوص اقرار است، با توجه به اهمیت این دلیل، ضوابط حاکم بر آن در راستای پایبندی به اصل مشروعیت تحصیل دلیل متفاوت است. پژوهش حاضر از لحاظ هدف جزء تحقیقات کاربردی مساله محور می‌باشد که با مراجعه به آرشیو اطلاعات پژوهش را بارگذاری نموده است؛ با توجه به انجام پژوهش در حوزه علوم انسانی تحقیق حاضر به روش اسنادی تحریر گشته است و ابزار گردآوری داده‌ها اعم از کتب، مقالات و پایان‌نامه‌ها می‌باشد. نتایج حاصل از تحقیق حاکی از آن است که الزامات پلیس در تحصیل اقرار هم ناظر بر رعایت اصل مشروعیت تحصیل دلیل بوده و هم می‌بایست اقرار با روش قانونی و مشروع و بدون هرگونه اجبار و اکراه و به دور از شکنجه و تکنیک‌های غیرمنصفانه اخذ گشته و ارزش‌های اخلاقی در کسب اقرار لحاظ گردد.

واژگان کلیدی: پلیس، اصل مشروعیت تحصیل دلیل، اقرار، الزامات.

*گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران، گروه حقوق جزا و

جرم‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران

**عضو هیات علمی دانشگاه علوم انتظامی امین (نویسنده مسئول) Dr.akbarvarvaei@yahoo.com

مقدمه

طرح مسئله

پلیس به عنوان نهاد کشف جرم در فرآیند کیفری از ابتدای وقوع بزه تا ختم فرآیند کیفری نقشی مهم را ایفا می‌نماید. لذا این نهاد در راستای کشف حقیقت و به عنوان بازوان اجرائی دستگاه قضایی بایستی در مدار حقیقت سیر نموده و مطابق با قانون، ادله جرم را در حدود و وظایف قانونی خویش تحصیل نماید و در این مسیر مکلف به رعایت مشروعیت در تحصیل ادله می‌باشد. چه بسا اقرار به عنوان ملکه دلائل؛ میزان پایبندی پلیس به تحصیل قانونی آن را بیشتر جلوه می‌دهد؛ با توجه به اینکه ممکن است نتایج حاصل از کسب دلائل جرم بالاخص اقرار در راستای اجرای حکم، غیرقابل جبران باشد ضروری است اقرار توسط مقام قانونی و با رعایت ضوابط قانونی تحصیل گردد و متهم در کمال اراده اقدام به اقرار و اعتراف نماید. از اینرو اصل مشروعیت تحصیل دلیل به عنوان یکی از تضمینات اساسی دادرسی عادلانه همواره مورد توجه نظام‌های حقوق کیفری قرار گرفته و سعی گشته است قوانین و مقرراتی آمره که با اصل مذکور همسو می‌باشد تدوین گردد که هم تضمین‌کننده حقوق و آزادی‌های فردی می‌باشد و هم نظم عمومی و اخلاق حسنه را مدنظر قرار دهد. چه بسا در باب دلیل اثباتی اقرار به عنوان دلیلی پراهمیت که در کشف حقیقت نقشی ویژه را ایفا می‌نماید این امر ملموس‌تر باشد. لذا تحصیل دلیل اثباتی اقرار با توجه به حکومت قواعد دادرسی عادلانه و منصفانه در نظام حقوق کیفری ایران بایستی با رعایت اصل مشروعیت تحصیل دلیل انجام گرفته و ضوابط و شرائط شکلی و ماهوی آن مدنظر قرار گیرد. در پژوهش مذکور سعی گشته به ابعاد اصل مشروعیت تحصیل دلیل ناظر بر اقرار با تکیه بر نقش پلیس پرداخته شده و شیوه‌های غیرمتعارف دلیل‌آوری مورد بحث و بررسی قرار گیرد. هدف از پژوهش حاضر بررسی الزامات حاکم بر نهاد کشف جرم در خصوص تحصیل دلیل اثباتی اقرار در پرتو اصل مشروعیت تحصیل دلیل می‌باشد. چه

الزامات نهاد کشف جرم در رعایت اصل مشروعیت تحصیل دلیل ناظر بر اقرار.....۳

بسا با تبیین اهداف حاضر بالاخص الزامات پلیس در راستای تحصیل قانونی اقرار، کشف حقیقت سهل الوصول گشته و از روش‌های غیر قانونی در کشف حقیقت امتناع گردد. با این اوصاف در این پژوهش به دنبال پاسخی به این پرسش اساسی می‌باشیم که چه الزاماتی در پرتو رعایت اصل مشروعیت تحصیل دلیل در خصوص اقرار بر نهاد کشف جرم بار گشته و اصولاً بار اثبات و ارائه دلیل موصوف در پرتو اصل مشروعیت تحصیل دلیل با چه نهادی است. از آنجا که سازوکاری مناسب در جهت تبیین نقش پلیس در کسب ادله در دستور کار قرار نگرفته، انجام پژوهش موصوف ضرورت دارد. پژوهش حاضر به ایده‌ای نوین در باب تحصیل اقرار پرداخته است، لذا پژوهش‌هایی که می‌توانند در جهت برآورد و نتایج مطلوب‌تر در تحقیق پیش رو مثمر واقع گردند به قرار زیر می‌باشند:

(۱) دکتر عباس تدین؛ با تألیف کتابی در انتشارات میزان، چاپ دوم ۱۳۹۱، با عنوان تحصیل دلیل در آیین دادرسی کیفری هدف اساسی پژوهش را مبانی، ضوابط و شیوه‌های تحصیل دلیل در آیین دادرسی کیفری برشمرده و نتایج حاصل از پژوهش در آن قسمت که با موضوع تحقیق ارتباط دارد حاکی از آن است که اولاً در تحصیل آزادانه دلیل هیچ‌گاه، نایستی اصل مشروعیت تحصیل دلیل را نادیده گرفت و بایستی در راستای آن باشد. محدودیت‌های قانونی در راه تحصیل آزادانه دلیل وجود داشته که محدودیت عام (ادله فاقد ارزش قضائی) و محدودیت خاص اثبات جرم با ادله قضائی خاص مورد نظر می‌باشد؛ ثانیاً در باب تحصیل دلیل من جمله اقرار، استفاده از شیوه‌ها و وسائل مختلف من جمله طرق علمی، شیوه ضبط محاورات و تصاویر پیش‌بینی گردیده است. ثالثاً، بر عدم رعایت اصل مشروعیت تحصیل دلیل آثاری من جمله بطلان و سلب اعتبار از دلیل نامشروع در قالب بطلان‌های ذاتی (قضائی) و منصوص (قانونی) و بطلان مربوط به نظم عمومی پیش‌بینی گردیده است، افزون بر آن رویه قضائی ایران در موضوع مشروعیت تحصیل ادله چندان شفاف نمی‌باشد شاید تمایل به ایجاد جامعه‌ای امنیت محور که حفظ و بقای اجتماع در آن به صراحت مهمتر و بهتر از

۴.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال یازدهم، شماره چهل و دوم، زمستان ۱۳۹۷

حقوق افراد و شهروندان است در عمل باعث گردیده تا سیستم قضائی ما با نادیده انگاشتن برخی از اصول بنیادین و اساسی جامعه حقوقی مانند اصل قانونی بودن، اصل برائت، و اصل مشروعیت تحصیل دلیل، کمتر به فکر ایجاد رویه قضائی و عملی منسجم و قانونمند باشد، دیدگاهی که در عمل بر آموزه‌های علمای حقوق بی تأثیر نبوده است.

۲) حسنعلی مؤذن زادگان و سحر سهیل مقدم در پژوهشی با عنوان قاعده بطلان دلیل در دادرسی کیفری (با تأکید بر حقوق آمریکا) که در فصلنامه مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه تهران دوره سوم، شماره ۲؛ پاییز و زمستان ۹۵ در صفحات ۲۴۳ تا ۲۶۷ چاپ گردیده، ضمن تبیین هدف که عبارت از بررسی قاعده بطلان دلیل با رویکرد تطبیقی است به نتایج ذیل دست یافتند. با توجه به اصل برائت بار اثبات دلیل مجرمیت متهم بر عهده دادستان است که در دعوای عمومی طرف اصلی متهم محسوب می‌شود، لذا رد دلیل به معنای عدم پذیرش ادله تحصیل شده به دلیل جمع‌آوری آن‌ها از طرق غیرقانونی است و بطلان دلیل به معنای عدم پذیرش ادله تحصیل شده به دلیل تأثیرگذاری مؤثر مقامات و مأموران قضائی در فرآیند تحصیل ادله مذکور می‌باشد، در حقوق ایران ضمانت اجرای بطلان تحقیقات و اقدامات ناشی از تحصیل ادله غیرقانونی از قبیل کسب ادله ناشی از تفتیش و یا توقیف غیرقانونی یا شکنجه متهم در اثنای بازجویی، فقد سمت قانونی مأمور در انجام تحقیقات و اقداماتی مانند نداشتن کارت ویژه ضابطان قضائی، تأثیر بسیار مهمی در بازدارندگی پلیس از ارتکاب رفتارهای خلاف قانون در فرآیند دادرسی کیفری دارد. در حقوق کیفری آمریکا نیز شیوه تحصیل ادله منطبق با قانون تصریح گردیده است.

۳) الهام حیدری و محمدجواد فتحی، در پژوهشی تحت عنوان گستره اصل آزادی تحصیل دلیل در دادرسی کیفری ایران و انگلستان که در مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز دوره ششم، شماره دوم، تابستان ۹۳ چاپ گردیده است. ضمن تبیین هدف اصلی پژوهش با عنوان تعیین گستره اصل آزادی تحصیل دلیل در نظام حقوق کیفری ایران و

الزامات نهاد کشف جرم در رعایت اصل مشروعیت تحصیل دلیل ناظر بر اقرار..... ۵

انگلستان به نتایج ذیل دست یازیدند، اصل آزادی تحصیل دلیل به عنوان یکی از مهم ترین اصول حاکم بر دلیل متضمن آزادی دادرسان و نیز طرفین یک پرونده کیفری در تحصیل و ارائه هر نوع دلیلی است که می تواند علاوه بر مؤثر بودن در وضعیت پرونده راهگشای دستیابی به حقیقت مطلق یا واقعیتی باشد که روی داده است، با این حال، اعمال این اصل به نحو مطلق صرفاً متضمن مصالح عمومی جامعه بوده و با حقوق و آزادی های افراد در تعارض قرار می گیرد. در حقوق انگلستان قاعده معتبر ناشناختن ادله نامشروع امری بدیع محسوب می گردد. تاریخ کامن لا مشتمل بر آرائی است که تنها به دلیل و محتوای آن توجه دارند و راه تحصیل آن را حتی اگر با ربودن حاصل شده باشد واجد اهمیت تلقی نمی کنند. با این حال ضرورت حفظ حقوق فردی و کرامت انسانی و نیز شأن دستگاه عدالت موجب شکل گیری و ثبات قاعده معتبر ناشناختن ادله تحصیل به طرق نامشروع بویژه با تصویب قانون پلیس و دلائل کیفری ۱۹۴۸ گشته است. دامنه این قاعده در انگلستان وسیع تر از ایران می باشد. و دلایلی که با نادیده گرفتن حقوق دفاعی متهم حاصل شده اند را نیز در بر می گیرند.

۴) دکتر محمدعلی مهدوی ثابت و محمدعلی محرابی در پژوهشی تحت عنوان تحصیل دلیل در حقوق کیفری ایران و اسناد بین المللی در ماهنامه قضاوت منتشر شده در مرداد ماه ۹۱ شماره ۷۷، ضمن تبیین هدف پژوهش که عبارت از ارائه راهکارهای مؤثر اجرائی در جهت تحصیل دلیل در حقوق کیفری ایران می باشد به نتایج ذیل دست یافتند، توسل به روش های گوناگون جهت ارائه دلیل؛ ضروری شناخته شده و دادرسی منصفانه را تضمین می نماید. روش های موصوف تابع ضوابطی هستند که عدول از این ضوابط دلیل را نامعتبر ساخته و لذا به دلیل نامعتبر نمی توان تکیه نمود، در جهت دستیابی به قواعد مناسبی برای شناخت دلائل معتبر از نامعتبر می توان به اسناد و مدارک جهانی حقوق بشری مراجعه نمود، در عرصه بین المللی تشکیل محاکم بین المللی جهت رسیدگی به جنایات جنگی و موارد نقض حقوق بشر، منجر به ایجاد رویه مناسبی در نظام تحصیل دلیل شده است، عدالت کیفری بین المللی رویکرد انعطاف پذیری را در

۶.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال یازدهم، شماره چهل و دوم، زمستان ۱۳۹۷

پذیرش ادله تقویت کرده است، رویکردی که هر چند از دیدگاه کارآئی ادله مفید به نظر می‌رسد ولی تساوی رفتار با متهمان را تأمین نمی‌کند. لذا نظام جهانی تحصیل ادله اکثراً تابع نظام آزاد تحصیل دلیل بوده و برعکس نظام‌های سرزمینی تابع اصل قانونی بودن تحصیل دلیل می‌باشند. در این راستا باید به برتری نظام‌های تابع آزادی تحصیل دلیل علیرغم معایب آن رأی داد؛ چرا که این نظام‌ها در برگیرنده قواعد مستحکم‌تری در دفاع از حقوق دفاعی طرفین دعوا می‌باشند.

پژوهش پیش رو با توجه به تقسیم‌بندی حاکم بر آن، از اقسام پژوهش‌های انجام گرفته در حوزه علوم انسانی به شمار می‌آید؛ لذا با توجه به ضوابط حاکم بر پژوهش‌های علوم انسانی، پژوهش حاضر از اقسام پژوهش‌های تحلیلی به شمار می‌آید. با توجه به غنی بودن منابع مورد استفاده در علم حقوق کیفری و جرم‌شناسی افزون بر آرشیو و کتب از مقالات و پایان‌نامه‌ها نیز استفاده گردیده است. لذا پژوهش به روش اسنادی تحریر گشته است، هر چند روائی و پایائی مختص به پژوهش‌های کمی می‌باشد و پژوهش موصوف کیفی به حساب می‌آید اما تا اندازه‌ای از قابلیت اعتبار، تأییدپذیری و اطمینان‌پذیری برخوردار است، روش اسنادی روش کیفی بوده و در این پژوهش تلاش گردیده تا با استفاده مناسب از اطلاعات اسنادی به کشف حقیقت و استخراج و ارزیابی مطالب موردنظر با موضوع پژوهش پرداخته گردد.

۲) اصل مشروعیت تحصیل دلیل

۲-۱) مفهوم اصل

اصل به معنای پایه و اساس و در حقیقت چیزی نیست جز یک قاعده حقوقی بسیار مهم که به واسطه نتایج عملی حاصل از آن ملاک توجه قرار می‌گیرد. خصوصیت اصل کلیت آن است لکن این کلیت با وصف مشابه آن در قاعده حقوقی متفاوت است؛ قاعده حقوقی کلی است چرا که تعداد نامعین عمل یا واقعه را شامل است و نوعاً خاص نیز محسوب و فقط بر عمل مشخص تعلق گرفته و بر وضعیت حقوقی خاص

الزامات نهاد کشف جرم در رعایت اصل مشروعیت تحصیل دلیل ناظر بر اقرار.....۷

بنا شده است؛ اما کلیت اصل بر موارد استعمال نامعین اشاره دارد. در علم حقوق عباراتی را که سلسله‌ای از راه‌حل‌های مثبت تابع آن است اصول می‌نامند؛ لذا بیانگر تئوری‌های کلی مترتب بر یک موضوع بوده و ناظر بر فرض مشخص نیست، در واقع اصل تسهیل‌کننده یک قاعده است تا در مصادیق مورد نظر و تطبیق آن با قاعده دچار اشکال یا تزلزل نگردد و مجموعه‌ای از یکسری قواعد منظم است که ارجاع به اجرای قاعده را آسان می‌سازد؛ اصل در حقوق کیفری با حدود و ثغوری مواجه می‌باشد که توجه به آن بسیار پراهمیت است. (کاتوزیان، ۱۳۹۰: ۲۲۷)

با توجه به تفاسیر پیش گفته به نظر می‌رسد مفهوم اصل در حقوق کیفری، قاعده‌ای کلی و مستمر است و بر پایه اصل قانون مداری بنا گردیده است و فی الواقع اصولی هستند که الزاماً می‌بایست بر مبنای قوانین مدون در طی یک دادرسی عادلانه مورد توجه و عمل قرار گیرند؛ تمامی این اصول بایستی زیر پرچم اصل حاکمیت قانون قرار داده شده و منبع اصلی آن اصول عقلانی و رعایت عدالت است؛ با این بیان منظور از حاکمیت قانون ویژگی درون سیستمی نظام‌های حقوقی است که براساس آن دولت‌ها توسط قواعد حقوقی محدود می‌شوند و در نتیجه دارای حاکمیت مطلق و بی حد و حصر نیستند. (حبیب زاده، ۱۳۸۶: ۱۲-۱۱)

۲-۲) مفهوم دلیل

دلیل واژه‌ای عربی است که از فعل ثلاثی مجرد «دلّ یدلّ دلّاه» مشتق شده است؛ دلیل به معنای راهنما؛ رهنمون شونده، دلالت‌کننده و هدایت‌کننده می‌باشد؛ جمع مکسر دلیل ادله می‌باشد، همچنین آن را به معنای نشان به کار برده‌اند. (انصاف پور، ۱۳۷۳: ۴۴۵) این واژه در ادب پارسی به معنی راهنما، رهبر و رهنمون است و همه معانی دیگری که در حکمت و فقه برای آن گفته‌اند با این ریشه اصلی پیوند و قرابت نزدیک دارد.

۸.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال یازدهم، شماره چهارم و دوم، زمستان ۱۳۹۷

معنای اصطلاحی دلیل از معنای لغوی آن چندان دور نیفتاده است؛ جایگاه اصلی بحث دلیل منطق می‌باشد؛ طبق نظر علمای منطق، دلیل عبارت است از شیئی که از وجود آن پی به وجود شیئی دیگر می‌بریم. (کریمی، ۱۳۹۴: ۲۶) در ترمینولوژی حقوق دلیل به معنای چیزی است که برای اثبات امری به کار می‌رود. (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۴: ۳۰۹)

اصطلاح دلیل در عالم حقوق بر مبنای تفکر نمایانند؛ تشخیص و کشف واقعیت استوار گردیده و وظیفه دادرسی چیزی جزء دستیابی به این واقعیت نیست. (تدین، ۱۳۹۱: ۲۴۹) در حقوق هنگامی سخن از دلیل می‌شود که رویدادی هدایتگر حرکت عقل به سوی واقع گردد؛ به عبارت دیگر هرگاه عقل از نشانه‌های یافته خود؛ بتواند به امری مجهول پی ببرد، آن نشانه را دلیل می‌نامند. به همین اعتبار است که گاه دلیل مترادف با برهان و قیاس نیز به کار برده شده است و گفته‌اند هر چه روح را به وجود حقیقت اقناع کند دلیل است. (کاتوزیان، ۱۳۹۰: ۲۰)

در جوامع قدیمی دادگاه‌ها به دنبال کشف حقیقت نبوده و طرفین دعوا نیز در پی اقامه دلیل برای قانع کردن قاضی نسبت به ذیحق بودن خود نبودند وظیفه محاکم صرفاً انجام اقداماتی بود که تصور می‌شد انجام آن‌ها می‌تواند با دخالت نیروهای فوق بشری؛ حقیقت را آشکار سازد؛ بدین ترتیب روند دادرسی متوجه آشکار شدن حقیقت به جای کشف کردن آن بود. (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۴: ۴۴۵)

در امور کیفری حضور فعال قاضی در کاوش ادله و در پی آن دست یازیدن به واقعیت است که عدالت کیفری را تجسم می‌بخشد. در کلیه مراحل دادرسی کیفری از مرحله کشف جرم تا مرحله انشای رأی «وحدت تئوری دلیل» حاکم است و هدف تحصیل دلیل جستجوی حقیقت مادی و کشف واقعیت است. عموماً متهمان در اغلب موارد و در صورت امکان در صدامحای دلائلی بر می‌آیند که بتوانند بزهکاری آنان را به اثبات رسانند؛ پس باید قاضی کیفری در تهیه ادله اثبات جرم و تسریع در تحصیل و تسجیل دلیل در مراحل ابتدائی فعال باشد. (آشوری، ۱۳۸۳: ۲۰۰) بنابراین دلیل در امور

الزامات نهاد کشف جرم در رعایت اصل مشروعیت تحصیل دلیل ناظر بر اقرار.....۹

کیفری عبارت است از؛ هر وسیله یا شیوه قانونی که برای اثبات جرم و انتساب آن به متهم یا نفی اتهام و با هدف کشف حقیقت مورد استفاده قرار می‌گیرد. (تدین، ۱۳۹۱:۳۳)

ویژگی ادله اثبات در امور کیفری در مقایسه با امور حقوقی این است که در امور کیفری ادله از پیش آماده نیستند، بلکه پس از واقعه مجرمانه می‌بایست به دنبال جمع‌آوری آنان بود و از این جهت نقش مرجع تحقیق و رسیدگی در امور کیفری بسیار فعال‌تر و البته حساس‌تر نسبت به رسیدگی‌های حقوقی است و به همین دلیل است که مرجع رسیدگی برای جمع‌آوری ادله از مرجع تحقیق و مرجع اخیر از ضابطین دادگستری مساعدت می‌جوید. لازم به ذکر است تکلیف ارائه دلیل در امور کیفری در طول فرآیند کیفری و تا قبل از صدور حکم قطعی و احراز مجرمیت تحت تاثیر حاکمیت اصل براءت و آثار ناشی از آن قرار دارد. (جوانمرد، ۱۳۹۴: ۲۶۷)

۲-۳ اصل مشروعیت تحصیل دلیل

دلیل وسیله اثبات واقعیت و کاشف حقیقت است و این حقیقت فقط در خدمت تأمین منافع خصوصی افراد زیان دیده نمی‌باشد و به این قلمرو محدود نمی‌گردد؛ بلکه از آنجا که ارتکاب جرایم، موجبات اخلال در نظم جامعه و امنیت عمومی را فراهم می‌کنند، لذا کشف حقیقت، حمایت از منافع و مصالح عمومی اجتماع را نیز لحاظ می‌کند. گرچه کشف حقیقت، هدف و منظور اساسی پرونده کیفری است، در عین حال نمی‌تواند به هر وسیله‌ای ولو نامشروع به دست آید. شان و منزلت دستگاه قضائی و احترام به عدالت و حقوق انسانی مستلزم جلوگیری از به کار بردن وسایلی است که ارزش‌های اساسی تمدن بشری را به مخاطره می‌اندازد. این کشف حقیقت می‌طلبد تا از یک طرف، ادله معتبر و مشروع از سوی قانونگذار و در صورت ضرورت از طریق رویه قضایی معلوم گردد تا اصحاب دعوا از تحصیل و ارائه ادله فاقد ارزش قضائی امتناع ورزند و از طرف دیگر به شیوه‌ها و طرق صحیح تحصیل ادله مشروع و معتبر و ضوابط

۱۰.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال یازدهم، شماره چهل و دوم، زمستان ۱۳۹۷

خاص لازم‌الرعایه ناظر بر آن‌ها پرداخته و یا حداقل طرق غیرمشروع ادله تحصیلی از سوی قانونگذار و رویه قضایی بیان گردد تا از توسل به روش‌های غیرقانونی و مذموم در تحصیل و ارائه دلیل اجتناب شود. (تدین، ۱۳۹۱: ۶۶)

ارائه دلیل به ظاهر قانونی و مشروع، چنانچه به طرق نامشروع و غیرقانونی تحصیل شده باشد در برخی از موارد سبب سلب ارزش اثباتی آن دلیل می‌گردد. توجه به این نکته که علیرغم عدم رعایت مشروعیت در تحصیل دلیل، در برخی موارد، ادله قانونی و مشروع تحصیلی را از اعتبار نمی‌اندازد و قدرت اثباتی آن‌ها را در پیشگاه مرجع کیفری حفظ می‌نماید، بحث نسبی بودن مشروعیت در تحصیل دلیل را بهتر نشان می‌دهد. (تدین، ۱۳۹۱: ۷۰-۶۹)

۳) اقرار

۳-۱) مفهوم و شرایط صحت

اقرار در لغت به معنای ثبت کردن و برقرار کردن می‌باشد، اقرار از قرار به معنای ثبات، اخذ شده و از مصدر باب افعال است، در لغت به معنای با گفتار خود ثابت کردن کاری یا امری با اعتراف کردن آمده است. (معین، ۱۳۷۵: ۳۲۴)

در امور کیفری اقرار به تنهایی و بدون وجود قرائن و امارات مبنی بر موثر بودن آن نمی‌تواند دلیل باشد، در واقع در حقوق کیفری اقرار عبارت است از؛ اخبار شخص به ارتکاب جرم از جانب خود، ماده ۱۷۱ قانون مجازات اسلامی مقرر داشته، هرگاه متهم اقرار به ارتکاب جرم کند، اقرار وی معتبر است و نوبت به ادله دیگر نمی‌رسد مگر اینکه با بررسی قاضی رسیدگی کننده قرائن و امارات بر خلاف مفاد اقرار باشد که در این صورت دادگاه تحقیق و بررسی لازم را انجام می‌دهد و قرائن و امارات مخالف اقرار را در رأی ذکر می‌کند. (قدسی، ۱۳۹۴: ۱۱۵)

از منظر شکلی اقرار بایستی گفتاری یا نوشتاری باشد و در صورت تغذیر با فعل از قبیل اشاره نیز واقع می‌شود و در هر صورت باید روشن و بدون ابهام باشد. در صورت

الزامات نهاد کشف جرم در رعایت اصل مشروعیت تحصیل دلیل ناظر بر اقرار..... ۱۱

اقرار گفتاری یا شفاهی، می‌بایست عین اظهارات مفید اقرار در صورت مجلس درج و متن آن قرائت گردد، و به امضاء و اثر انگشت اقرارکننده برسد، هرگاه اقرارکننده از امضاء یا اثر انگشت امتناع ورزد، تأثیری در اعتبار اقرار ندارد، ولی مراتب امتناع یا عجز از امضاء یا اثر انگشت در صورت مجلس قید شده و به امضاء و مهر قاضی و منشی می‌رسد. در صورتی که شخصی به جای اقرار شفاهی و یا کتبی یا فعلی در مواجهه یا اتهاماتی که به وی وارد می‌شود صرفاً سکوت نماید نمی‌توان سکوت وی را به منزله اقرار دانست زیرا او از حق سکوت برخوردار است که در بسیاری از اسناد حقوق بشری به رسمیت شناخته شده است.

۲-۳) آئین رسیدگی به اقرار

اساساً ضابطه ارائه دلیل در نزد حاکم همواره در نظام دادرسی اسلامی وجود داشته و موضع قانونگذار ایران نیز موید همین نظر است؛ طبعاً می‌بایست مکان اقرار بعنوان ادله‌ای در راستای اثبات جرائم مشخص و معین گردد؛ چرا که مطابق با اصل حاکمیت قانون که ادله قانونی را به رسمیت شناخته و شرایط خاصی را برای آن در نظر گرفته است، به مرجع و مکانی که اقرار بایستی در آنجا اقامه شود توجه داشته است؛ تمامی شرایط موصوف زیر ذره‌بین اصل حاکمیت قانون قرار دارند، بنابراین اقرار علاوه بر این که از لحاظ ماهوی و شکلی شرایط خاصی دارد بایستی در کمال صحت بیان گردیده و قاطبه حقوقدانان و فقهای امامیه بر اقرار نزد محکمه یعنی مرجع صلاحیت‌دار اتفاق نظر دارند؛ چه بسا تنها مرجع صلاحیت‌دار حق تفهیم اتهام و رسیدگی را داراست و اقراری که در نزد عموم و یا سایر مقامات فاقد صلاحیت اخذ گردد قابل ترتیب اثر از منظر حقوق کیفری ایران نباشد. بنابراین با توجه به اینکه از لحاظ موازین فقهی «اقرار عندالحاکم» حجیت دارد اقرار در مرجع صلاحیت‌دار قضایی می‌بایست به عمل آید. اداره حقوقی قوه قضائیه در نظریه مشورتی شماره ۷/۷۱۸۰، مورخ ۶۵/۱۲/۳ بر لزوم «عندالحاکم» بودن اقرار تاکید کرده است، مطابق یک نظر؛ «اقرار که در قانون مجازات

۱۲.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال یازدهم، شماره چهل و دوم، زمستان ۱۳۹۷

اسلامی از راه‌های ثبوت جرم به شرح مقرر در آن قانون ذکر شده؛ اقراری است که در محضر قاضی و با رعایت شرایط انجام گیرد؛ افزون بر آن مرجع فوق‌الذکر در نظریه مشورتی شماره ۷/۵۵۷۷۱ مورخه ۱۳۷۳/۹/۲۸ اشاره داشته؛ ضرورت ندارد که خود حاکم شخصاً شهادت شهود و گواهی گواهان را استماع نماید و اظهارات آنان نزد قاضی تحقیق معتبر است مگر اینکه حاکم به جهتی این امر را لازم بداند. اما در مورد اقرار متهم مستفاد از ظواهر ادله و منابع فقهی و قوانین موضوعه در باب اقرار، این است که اقرار باید نزد حاکم جامع الشرائط بوده باشد و اعتبار اقرار در نزد غیر حاکم رسیدگی کننده هر چند قاضی تحقیق بوده باشد محرز نیست؛ و با شک در اعتبار؛ مقتضای اصل؛ عدم اعتبار و عدم وجاهت شرعی و قانونی است؛ فلذا لازم است حاکم شخصاً اقرار متهم را استماع نماید.

۴) الزامات پلیس در خصوص اقرار ناظر بر اصل مشروعیت تحصیل

دلیل

۴-۱) ممنوعیت اقرار ناشی از شکنجه

آنچه مسلم است تحصیل یک دادرسی عادلانه زمانی میسر خواهد بود که ادله اثباتی و انتسابی جرم به شیوه‌ای مشروع کسب شده باشند. با توجه به اینکه اقرار تحت نظام ادله قانونی قرار داشته و تعیین ادله جرم با تصریح قانون می‌باشد؛ شایسته است پلیس در فرآیند کیفری با شیوه‌های تحصیل عادلانه و مشروع دلیل آشنا و ضوابط حاکم بر آن شناخته گردد، اعلامیه جهانی حقوق بشر که نمایانگر آرمان‌ها مشترک بشری است و به مثابه سندی الزام‌آور به شمار می‌آید در ماده ۵ خود اعلام داشته، احدی را نمی‌توان تحت شکنجه یا مجازات یا رفتاری قرارداد که ظالمانه یا بر خلاف انسانیت و شئون بشری باشد، اقرار اصولاً زمانی معتبر محسوب می‌گردد که در راستای کشف حقیقت باشد به همین دلیل دادرسی زمانی اقرار را می‌پذیرد که هیچگونه تردیدی در صحت آن نداشته باشد و احتمال هیچگونه توطئه و کتمان حقیقتی را ندهد؛ اقرار در گذشته‌های

الزامات نهاد کشف جرم در رعایت اصل مشروعیت تحصیل دلیل ناظر بر اقرار.....۱۳

دور دلیل ضروری بود، به گونه‌ای که برای تحصیل آن استفاده از شکنجه تجویز می‌شد؛ امروزه نیز اعتبار اقرار به عنوان دلیل به قوت خود باقی ست و پلیس تلاش خود را برای کسب آن به کار می‌بندد. (به نقل از تدین، ۱۳۹۱: ۳۳۸ - Borricand et, Jacques, ۲۰۰۵, ۲۸۳) در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل سی و هشتم صراحتاً شکنجه منع گردیده است؛ این ماده بیان می‌دارد، هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است، اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است؛ متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود.

در مواردی از قانون مجازات اسلامی و آئین دادرسی کیفری نیز صراحتاً اقرار توأم با شکنجه ممنوعیت داشته، بطوری که برای متخلفان، از جمله ضابطین دادگستری نیز در قبال تخطی از رفتار قانونی مجازات‌هایی در نظر گرفته شده است. از جمله ماده ۱۶۹ ق.م.ا بیان می‌دارد؛ اقراری که تحت اکراه، اجبار، شکنجه و یا اذیت و آزار روحی یا جسمی اخذ شود، فاقد ارزش و اعتبار است و دادگاه مکلف است از متهم تحقیق مجدد کند؛ ماده ۷ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۹۲ نیز در این راستا اشعار می‌دارد؛ در تمام مراحل دادرسی کیفری؛ رعایت حقوق شهروندی مقرر در قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳/۲/۱۵؛ از سوی تمام مقامات قضائی؛ ضابطان دادگستری؛ و سایر اشخاص که در فرآیند دادرسی مداخله دارند؛ الزامی است، متخلفان علاوه بر جبران خسارت وارده؛ به مجازات مقرر در ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) مصوب ۱۳۷۵/۲۳ محکوم می‌شوند؛ مگر آنکه در سائر قوانین مجازات شدیدتری مقرر شده باشد؛ النهایه ماده ۵۷۰ ق.م.ا (تعزیرات ۷۵) تصریح دارد که، هر یک از مقامات و مأمورین وابسته به نهادها و دستگاه‌های حکومتی که بر خلاف قانون؛ آزادی شخصی افراد ملت را سلب کند با آنان راز از حقوق مقرر در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران محروم نماید؛

۱۴.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال یازدهم، شماره چهل و دوم، زمستان ۱۳۹۷

علاوه بر انفصال از خدمت و محرومیت یک تا پنج سال از مشاغل حکومتی به حبس از دو ماه تا سه سال محکوم خواهد شد.

افزون بر آن در لایحه منع شکنجه نیز به تبعیت از اسناد بین‌المللی، کلیه اقراریر و اعترافات که بدون رعایت مفاد قانون از متهم اخذ شده و در دادگاه از طرف وی مورد انکار قرار گرفته باشد در صورت عدم وجود ادله و قرائن قابل قبول دیگر؛ از درجه اعتبار ساقط و از عداد دلایل خارج می‌گردد؛ گاهی شیوه تحصیل دلیل از طریق اجبار متهم به خود اتهامی یا اقرار به جرم صورت می‌پذیرد که در تعارض با آزادی متهم قرار دارد؛ بند ۱ ماده ۵۵ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی در این راستا مقرر می‌دارد؛ که این حق باید به هر شخص تحت تعقیب داده شود؛ پیرو این مقرر، شخص نباید وادار به متهم کردن خود یا اقرار به ارتکاب جرم گردد. (محمد نسل، ۱۳۹۱: ۵۲)

۲-۴) ممنوعیت استفاده از تاکتیک‌های غیر منصفانه در اخذ اقرار

یکی از مواردی که می‌تواند باعث عدم اعتبار ادله قانونی گردد که توسط نهاد کشف جرم و تعقیب در حال گردآوری می‌باشد؛ استفاده از تاکتیک‌های غیر منصفانه در اخذ اقرار است؛ که به علت عدم تطابق با اصول اخلاقی و ارزشی؛ بی اعتبار تلقی می‌گردد؛ به عنوان نمونه؛ هرگاه به دروغ به متهم گفته شود هم دستاورد و شرکای جرم سابقاً به ارتکاب جرم اعتراف کرده‌اند و متهم نیز اقرار به ارتکاب جرم نماید؛ اگر چه اقرار یک دلیل قانونی است و شیوه تحصیل آن مشروع و قانونی بوده، لکن با اصول حقوقی و اخلاقی منطبق نمی‌باشد، چرا که خلاف انصاف و اخلاق به شمار می‌آید، هر چند که در جهت اثبات انتساب بزه به مرتکب کارائی دارد.

۳-۴) منع استفاده از روش‌های مشکوک و غیر صحیح در کسب اقرار

استفاده از چنین روش‌هایی که توأم با طریقه مشکوک و غیر صحیح در کسب اقرار باشند نیز می‌تواند سبب بی اعتباری اقرار گردد؛ به عنوان نمونه مکاتبات و مراودات فی ما بین وکیل و متهم، محرمانه و خصوصی است لکن نهاد کشف جرم و تعقیب برای

الزامات نهاد کشف جرم در رعایت اصل مشروعیت تحصیل دلیل ناظر بر اقرار.....۱۵

اینکه اطلاعات و دلالتی را کسب کند به صورت مخفیانه ضبط صوتی کار می‌گذارد و یا شخصی را مأمور می‌کند تا به طریق پنهانی به مکاتبات و مراودات آن‌ها دسترسی پیدا کند. طبعاً چنین اقراری که غیرمستقیم در نزد مقام قضائی واقع شده و در نزد وکیل مدافع از سوی موکلش اظهار شده است فاقد آثار قانونی لازم می‌بایست محسوب گردد و بالتبع اصل مشروعیت تحصیل دلیل را زیر پا خواهد نهاد. (موحدی، ۱۳۹۳: ۱۰۷)

۴-۴) ترفندهای پلیسی

از دیگر روش‌های تحصیل دلیل مشروع (اقرار) به شیوه نامشروع ترفندهای پلیسی است، برای نمونه می‌توان به انجام عملیات تحت پوشش برای جمع‌آوری اطلاعات از روش‌هایی چون هم سلول شدن با متهم؛ حيله و صحنه‌سازی در ضمن تحقیق از متهم؛ قراردادن میکروفن و ضبط صوت و دوربین عکاسی به نحو مخفیانه، تغییر قیافه، پوشیدن لباس‌های مبدل برای اخذ اقرار به جرائمی چون قتل توسط پلیس اشاره کرد؛ چرا که با توجه به سنگینی چنین جرائمی بعضاً روش‌ها پیچیده از سوی مقامات انتظامی و قضائی در جهت کشف و تعقیب مجرم به کاربرده می‌شود، مضافاً ممکن است نیروهای پلیس گاه با وعده دادن به زندانیان هم بند متهم، سعی در کسب اسرار وی نمایند.

ماده ۱۹۵ قانون آئین دادرسی کیفری در خصوص موارد عنوان شده بیان می‌دارد؛ «بازپرس پیش از شروع به تحقیق با توجه به حقوق متهم به وی اعلام می‌کند مراقب اظهارات خود باشد، سپس موضوع اتهام و ادله آن را به شکل صریح به او تفهیم می‌کند و به او اعلام می‌نماید که اقرار یا همکاری موثر وی می‌تواند موجبات تخفیف مجازات وی را در دادگاه فراهم آورد و آنگاه شروع به پرسش می‌کند؛ پرسش‌ها باید مفید؛ روشن؛ مرتبط با اتهام و در محدوده آن باشد؛ پرسش تلقینی یا همراه با اغفال، اکراه و اجبار متهم ممنوع است» بنابراین با تصریح ماده ۱۹۵ به نظر می‌رسد، قوانین موضوعه شکلی با شیوه‌های مذکور در بالا مخالف می‌باشند و طبعاً اصل امانت و صحت دلائل

۱۶.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال یازدهم، شماره چهل و دوم، زمستان ۱۳۹۷

در این خصوص رعایت نگردیده است، افزون بر آن از منظر فقهی بسیاری از مراجع عظام تقلید؛ اقراری که بدون فشار و تهدید انجام شود را موافق شرع مقدس می‌دانند. (حشمتی، ۱۳۹۳:۷۳) با توجه به اصل حاکمیت قانون بر ادله اثبات کیفری؛ اقرار بایستی مطابق با اوصاف و شرایط مقرر در قانون اخذ گردیده و شیوه تحصیل آن مشروع، قانونی و عقلانی باشد، در غیر اینصورت آن اقرار دیگر با حاکمیت قانون تناسبی ندارد؛ با این وصف بازجویی و تحصیل اقرار از اشخاص بایستی با رعایت اصل مشروعیت تحصیل دلیل و اقتضائات آن انجام گیرد؛ در غیر این صورت از عداد ادله خارج و فاقد مشروعیت و اعتبار قضائی و اثباتی خواهد بود.

۴-۵) ممنوعیت اجبار متهم به اقرار به مجرمیت خویش

دادرسی زمانی عادلانه خواهد بود که در پرتو قوانین موضوعه حاکم انجام گرفته و تمامی تشریفات راجع به آن رعایت گردد؛ بعضاً امکان نقض حقوق طرفین دعوی در پاره‌ای از مراحل مختلف رسیدگی وجود دارد، اما متهم بایستی با حق تفهیم اتهام و سائر حقوق دفاعی خویش آشنا گردد و این تکلیف بر عهده محاکم قضائی (دادسرا) نهاده شده است تا در سایه تفهیم اتهام بتواند حقوق دفاعی خویش را نیز اعمال نماید گاهاً ممکن است در مراجع انتظامی و قضائی متهم مجبور به اقرار گردد، بطوری که در صورت عدم اقرار مجازات شدیدی بر وی بار گردد؛ در واقع یکی از تضمینات اساسی حقوق متهم این است که با اختیار بیانات خویش را در جهت کشف حقیقت اظهار نماید و مرجع قضائی این حق را به متهم تفهیم نموده باشد؛ لذا هرگونه اجباری اعم از مادی و معنوی بر علیه ایشان نقض حقوق ذاتی متهم بوده و اقراری نیز که از این طریق اظهار شود از لحاظ قانونی با لحاظ نمودن اصل مشروعیت تحصیل دلیل، فاقد آثار قانونی خواهد بود. حق دفاع متهم به عنوان مجموع تضمیناتی قانونی و قضائی که در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی برای افرادی که در مظان ارتکاب بزه قرار می‌گیرند و در سراسر یک رسیدگی کیفری با هدف اتخاذ تصمیمی عادلانه به دور از اشتباهات قضائی، منظور گردیده است و این امکان را برای متهم فراهم می‌سازد که بتواند پیش از

الزامات نهاد کشف جرم در رعایت اصل مشروعیت تحصیل دلیل ناظر بر اقرار.....۱۷

محکوم شدن خویش از خود دفاع کند. (آشوری، ۱۳۷۶:۴۰) بنابراین متهم می‌تواند در مقابل، حق سکوت داشته باشد و این حق سکوت مستلزم عدم اجبار متهم به شهادت یا اقرار به گناه است، زیرا متهم در اعلام حقایق به مقامات قضایی هیچ وظیفه‌ای ندارد بلکه دادستان خود ملزم است برای اثبات اتهام وارده ادله کافی را جمع‌آوری کند و نباید سکوت را قرینه‌ای علیه متهم و در اثبات مجرمیت او دانست؛ این حق با اصل منع شکنجه برای اخذ اقرار ارتباط می‌یابد. (بهادری، حسینی، ۱۳۸۸: ۳۱ به نقل از محمود، ۱۳۸۸:۱۵۵) نقض حق سکوت و اجبار متهم به بازگویی مطالبی و استفاده از آن مطالب به عنوان دلیل براتهام مظنون، تحصیل دلیل بصورت غیر قانونی به شمار می‌آید.

۵-۵) ممنوعیت تحصیل اقرار از طرق غیر قانونی و نامتعارف

یکی از حقوق اصحاب دعوی (متهم) در دادرسی کیفری این است که اقرار وی از روش‌های قانونی اخذ گردد؛ با این وصف در تحصیل ادله کیفری من جمله اقرار باید به گونه‌ای عمل شود که آزادی اراده افراد مخدوش نگردد و کرامت و منزلت انسانی آن‌ها مصون از تعرض باقی بماند. (علامه، ۱۳۸۹: ۲۸۲) اصل تحصیل دلیل به شیوه قانونی در قوانین ایران نیز مورد تاکید قرار گرفته است، اما بطور صریح به رسمیت شناخته نشده است.

۵-۵-۱) اقرار اکراهی

هرگونه فشار روحی و روانی که منتهی به اقرار توأم با اکراه متهم گردد، از منظر اصل مشروعیت تحصیل دلیل فاقد آثار لازم در حقوق کیفری محسوب می‌شود، مخدوش نمودن عنصر رضا در اقرار نقضی اساسی در حقوق متهم به شمار می‌آید، در این راستا ماده ۱۶۹ ق.م.ا بیان داشته، اقراری که تحت اکراه، اجبار، شکنجه و یا اذیت و آزار روحی یا جسمی اخذ شود بدون ارزش و اعتبار است و دادگاه مکلف است از متهم تحقیق مجدد نماید. بند ۳ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز که حقوق متهم در فرآیند دادرسی را بیان می‌کند در قسمت (ز) تصریح می‌نماید؛ یکی از

۱۸.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال یازدهم، شماره چهل و دوم، زمستان ۱۳۹۷

حقوق متهم این است که مجبور نشود علیه خود شهادت دهد و یا به مجرم بودن خویش اعتراف کند. (علامه، ۱۳۸۹: ۲۸۲)

۲-۵-۵) منع استعمال مواد مخدر به عنوان سرورم حقیقت به منظور اخذ اقرار

تمامی حقوقدانان در خصوص منع استعمال مواد مخدر به منظور اخذ اقرار اتفاق نظر دارند؛ آنچه تاکنون به اثبات رسیده است آن است که به واقع چیزی به عنوان سرورم حقیقت وجود ندارد؛ به علاوه نحوه به کار گرفتن مواد مخدر آثار زیان‌آوری بر سلامتی و شخصیت فرد می‌گذرد و مغایر با احترام واقعی به حق دفاع متهم است؛ در واقع دکترین حقوقی با اعمال هرگونه اکراه و اجبار، فریب و خدعه نسبت به بزهکاران مخالف است، چرا که چنین اعمالی مخالف با اصل مشروعیت تحصیل دلیل بوده و با توجه به اینکه شیوه تحصیل دلیل در اخذ اقرار نامشروع بوده است، اصل برائت جاری و ساری خواهد بود.

۳-۵-۵) ممنوعیت استفاده از دستگاه دروغ سنج و الزام متهم به اثبات بیگناهی

خویش

تاکنون تقدم اماره مجرمیت بر اصل برائت در اثبات جرائم، مورد نظر قانونگذار جمهوری اسلامی ایران قرار نگرفته است؛ شیوه موصوف بیشتر در کشورهای تحت نظام رومی‌ژرمنی مورد استفاده قرار می‌گیرد، در واقع تحصیل دلیل به این شیوه آن هم در جهت کسب اقرار در جرائم؛ با ایراداتی من جمله فقدان ارزش مطلق علمی یا لطمه به شخصیت انسانی و صدمه به حق دفاع متهم بوده و اساساً تایید استفاده از دستگاه دروغ‌سنج مخالف با اصل برائت می‌باشد؛ یعنی به جای آنکه دادسرا یا مرجع قضائی و انتظامی با کسب ادله ارتکاب جرم فرض بیگناهی متهم را نفی نمایند؛ خود بیگناه ملزم به اثبات بیگناهی خویش می‌باشد و این امر خلاف اصل است؛ افزون بر آن نهاد کشف جرم و مقام قاضی نبایستی خویش را به سطح بزهکاران تنزل دهد که مرتکب جرم، حيله و تقلب شده است؛ زیرا این امر بر خلاف شأن، مقام و منزلت پلیس و دستگاه

الزامات نهاد کشف جرم در رعایت اصل مشروعیت تحصیل دلیل ناظر بر اقرار.....۱۹

قضائی است و قبول و تعمیم استفاده از فریب و نیرنگ و صحنه‌های ساختگی، منتهی به ایجاد دستگاهی، پلیسی می‌شود که مغایر با تمدن و اخلاق است. (گلدوزیان، ۱۳۸۹:۲۸۹)

۵-۶ اصل سکوت

سکوت شخص قبل یا بعد از تفهیم اتهام تضمین مناسبی به منظور اجرای فرض بیگناهی محسوب می‌شود؛ این اصل با مساله بار اثبات دلیل ارتباط موضوعی دارد؛ زیرا مقام تعقیب باید دعوی کیفری را ثابت نماید. اصل سکوت امکان دستیابی به دلیل ناشی از اظهار شخص بسان اقرار را از دستگاه عدالت کیفری سلب می‌نماید؛ این اصل دارای یک لازمه منطقی است و آن اصل عدم متهم کردن خود است؛ این دو اصل در واقع از یک منطبق تبعیت می‌کنند و آن حمایت از شخص در مقابل اجبار یا عملکرد غیرحقوقی دستگاه عدالت کیفری به ویژه پلیس است؛ اصل سکوت و اصل عدم متهم کردن خود از این منظر از انحراف دستگاه عدالت کیفری جلوگیری می‌نمایند؛ لذا اصل سکوت لوازمی داشته که بدان می‌پردازیم. (موحدی، ۱۳۹۳: ۹۷)

۵-۶-۱ آگاهی شخص از داشتن حق سکوت

در حقوق کیفری شکلی ایران مقام انتظامی و قضائی به متهم تفهیم خواهد نمود که می‌تواند در پاسخ به سوالات سکوت اختیار نماید بدون آنکه چنین سکوتی دلالت بر مجرمیت وی نماید؛ در راستای اجرای دادرسی عادلانه در محاکم تفهیم چنین حقوقی ضرورت دارد.

۵-۶-۲ ممنوعیت استنباط گناهکاری از سکوت شخص

سکوت متهم، در هرگونه استنباط اعم از گناهکاری با بیگناهی خنثی و بی طرف است، این است که استنباط گناهکاری از سکوت شخص نقض دادرسی عادلانه تلقی گردیده است مگر اینکه این استنباط بر اوضاع و احوال و قرائن مثبت و مشخصی استوار باشد. در یک دادرسی عادلانه رعایت احترام به حقوق و آزادی‌های فردی

۲۰.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال یازدهم، شماره چهل و دوم، زمستان ۱۳۹۷

ایجاب می‌کند که قبل از رسیدگی به ادله ابرازی از سوی نهاد کشف جرم، تعقیب و یا شاکی؛ ذهن آن‌ها منصرف از بزهکاری متهم باشد؛ زیرا طبق فرض بیگناهی تا زمانی که بزهکاری متهم در دادگاه به اثبات نرسد و منتهی به صدور حکم محکومیت قطعی لازم الاجرا علیه وی نگردد، وی از حمایت فرض برائت برخوردار است؛ و عدم رعایت آن نقضی بر اجرای روند دادرسی عادلانه به شمار می‌آید. (موحدی، ۱۳۹۳: ۹۹)

در مجموع سلب اعتبار دلیل حاصل از طریق غیر قانونی؛ قاعده عمومی تکلیف مقام تعقیب به اثبات دعوی را قوت بخشیده و باعث انصراف پلیس و قضات از این روش‌ها می‌گردد. (هاشمی، ۱۳۹۲: ۵۶)

۳-۶-۵) عدم الزام شخص به نقض حق سکوت

لازمه منطقی این اصل عدم متهم کردن خویشتن است؛ به همین دلیل است که تخیر شخص بین اجرای کیفر سالب آزادی یا ارائه اطلاعات و یا همکاری مؤثر با دستگاه عدالت کیفری که در نتیجه آن آزادی وی سلب و شخص مختار است یکی از این دو گزینه را انتخاب نماید نیز نقض اصل سکوت و اصل عدم متهم کردن خود؛ دانسته شده است؛ لذا به هر اندازه اثبات جرائم با صعوبت بیشتری همراه باشد، نمی‌بایست خدشه‌ای در حق سکوت متهم به جرم وارد آید. (موحدی، ۱۳۹۳: ۹۸)

۶) نتیجه‌گیری و بحث

۱-۶) نتیجه‌گیری

در باب نتایج حاصل از پژوهش می‌توان به موارد موصوف اشاره نمود:

۱) پلیس به عنوان نهاد کشف جرم در فرآیند کیفری از مرحله وقوع جرم تا اجرای حکم نقش‌های متفاوتی را ایفا می‌نماید. لذا با توجه به حاکمیت قاعده البینه علی المدعی و یمین من انکر بار اثبات دلیل در امور کیفری با توجه به تقسیم‌بندی جرائم برعهده نهاد تعقیب و مدعی است، از این رو پلیس به عنوان ضابط عام دادگستری در

الزامات نهاد کشف جرم در رعایت اصل مشروعیت تحصیل دلیل ناظر بر اقرار..... ۲۱

امر تحصیل دلیل به مقام قضایی مساعدت نموده و دلائل تحصیل شده در نزد و از سوی مأمورین انتظامی می‌تواند در صورتی که با اوضاع و احوال مسلم وقوع جرم مطابقت داشته باشد از سوی مقام قضائی در کشف حقیقت مؤثر افتد.

۲) اقرار خواه از طرق قانونی یا از روش‌های غیرقانونی تحصیل شده باشد؛ بایستی قابلیت پذیرش را دارا باشد. در صورتی که قائل به پذیرش اقرار باشیم می‌توانیم وارد مرحله بعدی دادرسی کیفری شویم، در صورتی که اقرار از سوی مقام قضائی غیرقابل پذیرش اعلام گردد اصولاً منجر به عدم تعقیب فرد می‌گردد و در واقع ارزش‌گذاری این دلیل اثباتی با مقام قضائی می‌باشد که بایستی شرایط شکلی، ماهوی، شرایط مکانی و زمانی اخذ اقرار در نظر گرفته شود.

۳) اصولاً مقام تحصیل‌کننده اقرار بایستی مقام صلاحیتدار قانونی باشد. در صورتی که اقرار نزد مقامات انتظامی که ضابط عام محسوب نشده و کارت ویژه ضابطیت را نیز اخذ ننموده باشند؛ اخذ گردد قاعدتاً قابلیت پذیرش را در نزد مقام قضائی نخواهد داشت چرا که قانونگذار جمهوری اسلامی ایران مستند به قانون آئین دادرسی کیفری مصوب به ۹۲ و آئین‌نامه احراز عنوان ضابط دادگستری شرایط خاص را جهت ضابط شناخته شدن آنها مقرر نموده است.

۴) پلیس در مقام ضابط عام قوه قضائیه الزاماتی در تحصیل اقرار دارد، یکی از الزامات پیش روی پلیس رعایت اصل مشروعیت تحصیل ادله بوده که در خصوص دلیل اثباتی اقرار نیز کارائی خواهد داشت؛ در باب الزامات پلیس در رعایت اصل مشروعیت تحصیل دلیل می‌توان گفت قانونگذار ایران اقراری را معتبر می‌شناسد که توسط مقام قانونی صلاحیتدار تحصیل گردید. و کرامت انسانی و تضمینات دادرسی منصفانه در تحصیل آن نیز رعایت شده باشد. لذا اقراری که ناشی از شکنجه باشد از منظر حقوق کیفری ایران مردود و فاقد اثر است. قاعدتاً تا زمانی می‌توان دادرسی را عادلانه تلقی نمود که ادله اثباتی و انتسابی جرم بویژه اقرار به شیوه‌ای قانونی و مشروع

۲۲.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال یازدهم، شماره چهل و دوم، زمستان ۱۳۹۷

رعایت گردیده باشند، بنابراین تحصیل آزادانه دلیل بایستی در راستای اصل مشروعیت تحصیل دلیل، بالاخص اقرار باشد.

(۵) در باب دلیل اثباتی اقرار ذکر این نکته مفید به نظر می‌رسد که استعمال و به کارگیری روش‌های مشکوک و تاکتیک‌های غیرمنصفانه در اخذ و تحصیل اقرار از سوی پلیس فاقد اثر بوده و مقام قضائی تکلیفی به گردن نهادن به ادله نامشروع نخواهد داشت؛ چه بسا اقرار دلیلی قانونی به شمار آمده اما شیوه اخذ آن از سوی مقامات انتظامی صلاحیتدار نامشروع و غیرقانونی باشد و اصول اخلاقی و ارزشی در تحصیل آن رعایت نگردیده باشد. لذا در این راستا استفاده از شیوه‌های غیرصحیح، فاقد آثار قانونی خواهد بود.

(۶) ترفندهای پلیسی که در جهت تحصیل اقرار به کارگرفته می‌شوند ممکن است مسیر دادرسی عادلانه را منحرف نموده و در تضاد با اصل مشروعیت تحصیل دلیل به شمار آیند. بنابراین استفاده از شگردهای مشروع مقبولیت داشته اما وعده تخفیف مجازات از سوی مراجع انتظامی که در واقع نهاد تعیین کیفر نمی‌باشند خلاف اصل مشروعیت تحصیل دلیل به حساب می‌آید؛ و در اخذ اقرار از سوی پلیس هرگونه اعمال فشار روانی اعم از اکراه، اجبار و شکنجه و اقرار ناشی از وعده مالی قابلیت ترتیب اثر را ندارد.

(۷) مقامات انتظامی و قضائی بایستی به اصل سکوت از سوی متهم احترام گذاشته و در راستای پایبندی به دادرسی عادلانه آن را مورد توجه قرار دهند، چرا که علاوه بر قوانین داخلی، این اصل در حقوق بین‌المللی و اسناد بین‌المللی مورد شناسایی قرار گرفته است لذا بایستی متهم از سوی پلیس به داشتن حق سکوت آگاه گردد. و از سکوت ایشان گناهکاری و مجرمیت وی استنباط نگردد. در این راستا نقض اصل سکوت نیز در راستای پایبندی به اصل مشروعیت تحصیل دلیل تلقی نخواهد گشت.

الزامات نهاد کشف جرم در رعایت اصل مشروعیت تحصیل دلیل ناظر بر اقرار..... ۲۳

۲-۶) پیشنهادات

- ۱) لزوم برگزاری دوره‌های آموزشی برای پلیس در باب آشنایی با شیوه‌های نوین کسب دلیل
- ۲) ترسیم مبانی اصل مشروعیت تحصیل دلیل در نظام حقوق کیفری ایران و ضمانت اجرای عدم رعایت اصل مشروعیت تحصیل دلیل که هم ناظر بر نهاد کشف جرم بوده و هم سایر نهادهای دخیل در فرآیند کیفری را در بر گیرد.
- ۳) تعیین و شناسایی پلیس تخصصی در باب جرائم خاص به طوری که با توجه به طبقه‌بندی جرائم ضروری است که نهاد کشف جرم نیز تخصصی گردید، و از قبل آن کشف حقیقت تخصصی‌تر و سهل الوصول‌تر خواهد گشت.
- ۴) تدوین قانونگذاری مناسب در جهت برآورد دقیق شرایط شکلی و ماهوی حاکم بر کسب و اخذ اقرار از متهم توسط مقامات انتظامی به طوری که در قوانین فعلی نصوص چندانی در باب اخذ اقرار توسط پلیس از متهم و شرایط حاکم بر آن در نظر گرفته نشده است.
- ۵) ضرورت حاکمیت قانون بر مراجع تحصیل‌کننده اقرار و قانونی بودن شیوه تحصیل آن، چرا که با تکیه بر نهادهای قانونی و صلاحیتدار در راستای تحصیل دلیل، کشف حقیقت متناسب با معیارهای دادرسی عادلانه خواهد گردید.
- ۶) پیش‌بینی ساز و کارهای ضروری در جهت نقش آفرینی مطلوب‌تر پلیس در باب اخذ اقرار مشروط از متهم که این ساز و کارها هم خواهند توانست، قانونی، قضائی و اجرائی باشند و راه را برای اعمال نقش پررنگ‌تر پلیس بگشایند.
- ۷) لزوم تصویب و تدوین قوانینی در جهت حمایت کیفری از متهمین در باب اخذ اقرار نامشروع و غیرقانونی از سوی پلیس
- ۸) برگزاری دوره‌های آموزشی روانشناسی متهم، برای پلیس از این باب که با توجه به شناخت از شخصیت متهم، اخذ اقرار از وی نیز می‌تواند مؤثرتر باشد.

۲۴..... تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال یازدهم، شماره چهل و دوم، زمستان ۱۳۹۷

۳-۶) محدودیت‌های تحقیق

۱) محدودیت دسترسی به منابع مدون در ارتباط مستقیم با موضوع؛ چرا که مستقیماً در باب پژوهش انجام گرفته کتب خاصی یافت نگردیده و عموماً از منابعی استفاده شده که به صورت بسیار ضمنی و غیرمستقیم به اصل مطلب پرداخته‌اند.

۲) عدم ترسیم مبانی، ضوابط و الزامات نهاد کشف جرم در راستای پایبندی به اصل مشروعیت تحصیل ادله، با تدقیق در مواد قانونی و حقوق کیفری شکلی هویدا می‌گردد که اصولاً به الزامات ضابطين پرداخته و صرفاً تکالیف ایشان را در راستای اصل تبعیت از مقام قضایی ترسیم نموده‌اند که این امر نمی‌تواند سازوکارهای الزامات پلیس را در رعایت اصل مشروعیت تحصیل دلیل مورد بحث و بررسی قرار دهد.

الزامات نهاد کشف جرم در رعایت اصل مشروعیت تحصیل دلیل ناظر بر اقرار..... ۲۵

منابع و ماخذ

۱. انصاف پور؛ غلامرضا (۱۳۷۳) فرهنگ کامل فارسی، چاپ اول؛ تهران، انتشارات زوار
۲. آشوری، محمد (۱۳۸۳) آیین دادرسی کیفری؛ چاپ چهارم؛ جلد دوم، انتشارات سمت.
۳. آشوری، محمد (۱۳۷۶) اصل برائت و آثار آن در امور کیفری (مطالعه تطبیقی) عدالت کیفری، مجموعه مقالات، چاپ اول، انتشارات گنج دانش.
۴. بهادری جهرمی، علی، حسینی سیده لطیفه (۱۳۹۳) اصول دادرسی عادلانه در پرتو اندیشه اسلامی و نظام حقوق داخلی، فصلنامه مطالعات حقوق بشر و اسلامی، سال سوم، شماره هفتم: ۳۱
۵. تدین، عباس (۱۳۹۱) تحصیل دلیل در آیین دادرسی کیفری؛ چاپ دوم، نشر میزان
۶. جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۹۴) ترمینولوژی حقوق، چاپ بیست و هفتم، شماره ۲۴۷۴، نشر گنج دانشگاه
۷. جوانمرد، بهروز (۱۳۹۴) آیین دادرسی کیفری، جلد دوم، چاپ اول، نشر جاودانه
۸. حبیب زاده، محمد جعفر، توحیدی فرد، محمد (۱۳۸۶) قانون مداری در قلمرو حقوق کیفری، چاپ اول، نشر دانشگاه
۹. حشمتی؛ ابوالفضل (۱۳۹۳) تحصیل دلیل از طریق نامشروع؛ جستارهای فقه و حقوق؛ سال اول، شمار دوم: ۷۳
۱۰. علامه؛ غلام حیدر (۱۳۸۹) اصول راهبردی حقوق کیفری، چاپ اول، نشر میزان
۱۱. قدسی، سید ابراهیم (۱۳۹۴) جنایت علیه جسم انسان در حقوق کیفری ایران، چاپ اول، انتشارات گام حق

۲۶.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال یازدهم، شماره چهل و دوم، زمستان ۱۳۹۷

۱۲. کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۰) اثبات و دلیل اثبات، چاپ ششم، جلد اول، نشر میزان

۱۳. کریمی، عباس (۱۳۹۴) ادله اثبات دعوا، چاپ پنجم، نشر میزان

۱۴. گلدوزیان، ایرج (۱۳۸۹) ادله اثبات دعوا؛ چاپ چهارم، نشر میزان

۱۵. معین، محمد (۱۳۷۵) فرهنگ فارسی، جلد اول، چاپ هفتم، انتشارات امیرکبیر

۱۶. میر محمد صادقی؛ حسین (۱۳۹۴) حقوق کیفری اختصاصی؛ چاپ هجدهم،

جلد نخست، نشر میزان

۱۷. محمد نسل، غلامرضا (۱۳۹۱) مجموعه مقررات دیوان بین‌المللی کیفری، چاپ

دوم، نشر دادگستر

۱۸. موحدی، جعفر (۱۳۹۳) معکوس کردن بار اثبات دلیل در آیین دادرسی کیفری،

چاپ اول، نشر مجد

۱۹. ویسبرت، دیوید و بایرون؛ فردریکسون (۱۳۸۶) دادرسی عادلانه، ترجمه فریده

طه و لیلا اشرافی، چاپ اول، نشر میزان

۲۰. هاشمی، سید حسن (۱۳۹۲) حق دادرسی منصفانه در شرایط اضطراری (در

اسناد بین‌الملل و ایران)، چاپ اول، نشر مجد

۲۱. Borricand et, Jacques, anne marie simon (۲۰۰۵) , droit penal et procedure penal , ۴eme edition , paris ,dalloz (به نقل از عباس تدین ، همان ماخذ ، ص ۳۳۸) ۲۸۳ A.Simon.Opticit,